

۱- در میان واژه‌های زیر، معنی چند کلمه نادرست آمده است؟  
 (گبر: زین اسب)، (آورد: نبرد)، (مطاع: اطاعت‌کننده)، (پرخاشخر: جنگ‌جو)، (طرّاز: جادوگر)، (یال: گردن)، (لابه: اظهار نیاز)،  
 (خیط: بی‌راه رفتن)، (بادافره: کیف)، (شمایل: چهره)

(۱) دو  
 (۲) یک  
 (۳) چهار  
 (۴) سه

۱- (مریخ شمیرانی)  
 گبر: خفتان، لباس جنگی / مطاع: اطاعت‌شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد /  
 طرّاز: دزد (ادبیات فارسی ۳، صفحه‌ی ۲۴ و فهرست واژگان)

۱ ۲ ۳ ۴ ✓

۲۱- معانی درست واژه‌های «طین، تعبیه، طوع، قبضه، خازن» به ترتیب در کدام گزینه ذکر شده است؟

(۱) خمیر خشک، ساختگی، گردن‌بند، گریبان، فرشته  
 (۲) خمیر خشک، ساختن، گردن‌بند، دسته‌ی خنجر، فرشته  
 (۳) گِل خشک، آرایش، توانایی، مقدار کمی از چیزی، ناامید  
 (۴) گِل خشک، آراستن، فرمان بردن، یک مشت از هر چیز، نگهبان خزانه  
 ۲۱- (سراسری تهرپی - ۹۰)

طین: گِل خشک/ تعبیه: آراستن، ساختن، آماده‌کردن / طوع: فرمان بردن، اطاعت کردن /  
 قبضه: یک مشت از هر چیز/ خازن: خزانه‌دار، نگهبان خزانه، فرشته

(ادبیات فارسی ۳، صفحه‌های ۱۶۲ و ۱۶۴)

۱ ۲ ۳ ۴ ✓

۱- در کدام گزینه معنای واژه‌های نادرست آمده است؟

(۱) (مشحون: انباشته)، (خیلتاش: گروه نوکران و چاکران)، (هزاهز: آشوب فتنه‌ای که مردم را به جنبش درآورد).  
 (۲) (سطوت: غلبه)، (رحیل: کوچیدن)، (سقلمه: ضربه یا گوشه‌ی مشت)  
 (۳) (فرض: تعیین کردن)، (توقیع: نامه)، (تضریب: فتنه‌انگیزی)  
 (۴) (سجیه: عادت نیک)، (راهوار: فراخ‌گام)، (تجلی: هویدا شدن)

۱- (سعید کنج‌بش زمانی)  
 توقیع: امضا کردن نامه و فرمان (ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

۱ ۲ ۳ ✓ ۴

۲۱- در همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ... معنی همه‌ی واژه‌ها درست است.

(۱) (گشن: انبوه) (خلق‌گونه: زنده) (مطاع: فرمانبر)  
 (۲) (نهفت: پناهگاه) (هماورد: رقیب) (عتاب: ملامت)  
 (۳) (هزار: عندلیب) (معارضه: ستیزه‌کردن) (شراع: خیمه)  
 (۴) (نشتر: تیغ جراحی) (قبضه: یک مشت از هر چیز) (کاینه: موجود)

۲۱- (سراسری فارج از کشور - ۹۳)

مطاع: کسی که دیگری فرمان او را می‌برد، اطاعت شده.

(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

۱ ✓ ۲ ۳ ۴

۱- معنای چند واژه در کمانک رویه‌روی آن، نادرست آمده است؟

فر (شکوه)، چاووش درداد (بانگ زد)، رغم (به خاک‌آلودن بینی)، غازه (سرخاب)، قلیه (نوعی خوراک از گوشت)، خلیده (رنجیده)،  
 مضیف (مهمان)، کزخیم (بدرفتار)، اضغات احلام (رؤیاهای شیرین)، شقیقه (گیج‌گاه)

(۱) دو  
 (۲) سه  
 (۳) چهار  
 (۴) پنج

۱- (الوام ممدری)

خلیده: زخمی، زخم‌شده / مضیف: جای ضیافت، مهمان‌خانه / اضغات احلام:  
 خواب‌های پریشان (ادبیات فارسی ۳، صفحه‌ی ۹۵ و فهرست واژگان)

۱ ۲ ✓ ۳ ۴

۲۱- معنی واژه‌های «فرض، مجرم، متمادی، معارضه، فایق» به ترتیب کدام است؟

- (۱) تعیین کردن، آتش‌دان، دراز، ستیزه کردن، برتر  
(۲) واجب گردانیدن، آتش‌دان، متواتر، رخ برتافتن، برتر  
(۳) واجب، آتش، مدت دارنده، اعتراض کردن، اعلا  
(۴) لازم و ضروری، منقل، پشت سرهم، جنگیدن، نقصان

(سراسری ریاضی - ۹۰)

۲۱-

فرض: واجب گردانیدن، تعیین کردن / مجرم: آتش‌دان / متمادی: مدت‌دارنده، طولانی، دراز / معارضه: ستیزه کردن / فایق: برگزیده، برتر

(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

۴

۳

۲

۱ ✓

۱- معنای درست واژه‌های «روضه، قیه، علق، مراوده و ایما» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) بیابان، فریاد کشیدن، خون بسیار سرخ، روا داشتن، کنایه  
(۲) گلزار، جیغ، خون غلیظ، رفت و آمد، رمز  
(۳) باغ، داد زدن، مورد علاقه، دوستی، اشاره  
(۴) صحرا، ناله، علاقه داشتن، گفت‌وگو کردن، اشاره کردن

(سعید کنج‌پوش زمانی)

۱-

روضه: باغ، گلزار / قیه: جیغ / علق: خون بسیار سرخ، خون غلیظ / مراوده: دوستی، رفت و آمد / ایما: اشاره کردن، اشاره، کنایه، رمز

(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

۴

۳

۲ ✓

۱

۲۱- در کدام گروه کلمات، معنی بعضی واژگان نادرست است؟

- (۱) فرض: تعیین کردن، عتاب: ملامت، کش: آغوش، قیه: جیغ، مشحون: مملو  
(۲) یال: گردن، جال: تله، حبر: مرکب، رگم: کراهت، رواق: سایبان  
(۳) مطاوعه: اطاعت، نهفت: پنهان شده، خصر: دیوار، ممت: ادامه‌دهنده، کش: خوش  
(۴) زعارت: بدخویی، شرع: خیمه، سفت: کتف، ضیعت: زمین زراعتی، باسق: بلند

(سراسری زبان - ۹۱)

۲۱-

خصر: احاطه کردن، محاصره، گرداگرد چیزی را فرا گرفتن / ممد: مددکننده، یاری رساننده  
(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان و صفحه‌های ۱۱۴۴)

۴

۳ ✓

۲

۱

۱- معنای واژه‌های «خلیده، ساج، رگم، کش، متواتر» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) زخم‌شده، چوب خوش‌بو، بر خلاف میل، خوش، زیاد  
(۲) شکسته، نوعی درخت، خلاف میل کسی عمل کردن، جذاب، منظم  
(۳) خراشیده، چوب مرغوب، به خاک آلودن بینی، خرم، طولانی  
(۴) زخمی، درختی با چوب بسیار مرغوب، کراهت، آغوش، پی‌درپی

(الهام مومری)

۱-

خلیده: زخمی، زخم‌شده / ساج: درختی که چوب آن بسیار مرغوب است. / رگم: به خاک آلودن بینی، خلاف میل کسی عمل کردن، بر خلاف میل، کراهت / کش: بغل، آغوش، خوش، خرم / متواتر: پی‌درپی

۴ ✓

۳

۲

۱

۲۱- معنی واژه‌های «مطاوعه - وقیعت - عتاب - مخنقه - گشن» به ترتیب کدام است؟

- (۱) اطاعت - واقعی - غضبناک - قلاده - انبوه  
(۲) فرمان‌برداری - سرزنش - خشم گرفتن - قلاده - انبوه  
(۳) اطاعت - واقع شدن - غضب - گردن‌بند - پرشاخ و برگ  
(۴) فرمان بردن - بدگویی - خشم گرفتن - گردن‌آویز - گلشن

مطالعه: اطاعت، فرمان برداری / وقیعت: سرزنش، بدگویی / عتاب: خشم گرفتن، غضب، ملامت / مخنقه: گردن بند، قلاده / گشن: انبوه، پرشاخ و برگ  
(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

۴

۳

۲✓

۱

۱- در کدام گزینه، معنی واژه‌های نادرست است؟

- (۱) جمودت: خشکی (فشار: سخن بیهوده) (مطلق: آزاد)  
(۲) ایما: رمز (تمسک: چنگ زدن) (تضریب: دوبه هم زنی)  
(۳) کوشک: قصر (سُفت: چانه) (تعبیه کردن: قراردادن)  
(۴) تتمه: به جای مانده (شاهد: معشوق) (عتاب: ملامت)

-۱

(مرتضی منشاری - ارزیل)

(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

سُفت: دوش، کتف

۴

۳✓

۲

۱

۲- از میان واژه‌های زیر، واژه‌های کدام گزینه تماماً درست معنی شده‌اند؟

- (مرآوده: گفت‌وگو) (کرنند: رنگ سرخ مایل به تیرگی) (دیر: عبادت) (تخمیر: مایه زدن) (پاتابه: کفش چرمی) (جال: دام) (مضیق: کار سخت و دشوار) (مباهات: نازیدن) (اعور: نابینا) (مُغ: زردشتی)

- (۱) مباهات، مُغ، مضیق، تخمیر  
(۲) کرنند، پاتابه، مرآوده، جال  
(۳) دیر، تخمیر، مباهات، اعور  
(۴) مُغ، دیر، جال، مضیق

-۲

(مرتضی منشاری - ارزیل)

معانی درست واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند، عبارت‌اند از: مرآوده: دوستی، رفت و آمد / کُرُنْد: اسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد. / دیر: محلی که راهبان در آن عبادت کنند، صومعه / پاتابه: نواری که به ساق پا پیچند. / اعور: یک چشم  
(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

۴

۳

۲

۱✓

۲۱- با توجه به عبارات زیر معنی واژه‌های مشخص شده، به ترتیب کدام است؟

«اهدان با سگ بازی نکنند و دست و جامه‌ی خود را از آسیب او صیانت واجب ببینند. بونصر نامه‌های رسیده را می‌فرستاد فرود سرای، به دست من و من به آغاجی خادم می‌دادم و خیرخیز جواب می‌آوردم. سلطان از آن‌جا که سطوت سلطنت است برنجید و گفت: این طایفه‌ی خرقة‌پوشان امثال حیوان‌اند و اهلیت و آدمیت ندارند. کبوتران جمله در دام افتادند و صیاد شادمان گشت و گرازان به تک ایستاد.»

- (۱) گزند، آرام آرام، هیبت، لیاقت، در کمین ایستاد  
(۲) تماس، پنهانی، شایسته، انسانیت، خرامید  
(۳) تماس، سریع، وقار، شایستگی، دویدن آغاز کرد  
(۴) صدمه، باسرع، بزرگی، جوان‌مردی، خرامان دوید

-۲۱

(سراسری تهرانی - ۹۱)

با توجه به متن، معنی واژه‌های مشخص شده عبارت‌اند از: آسیب: تماس / خیرخیز: سریع / سطوت: حشمت، مهابت، غلبه، وقار / اهلیت: شایستگی، لیاقت، صلاحیت برای امری، سزاواری / به تگ ایستاد: شروع به دویدن کرد.

(ادبیات فارسی ۳، صفحه‌های ۲۴، ۵۳، ۶۰ و ۱۱۰)

۴

۳✓

۲

۱

۱- در کدام گزینه معنی روبه‌روی واژه‌ها، تماماً درست است؟

(۱) (دستور: راهنما، وزیر) (تریاق: پادزهر، سم‌آلود)

(۲) (ملاهی: آلات لهو، نهی‌شده‌ها) (لجاج: ستیزه، سرکشی)

(۳) (صولت: حمله، هیبت) (مضایقت: دشواری، تنگی)

(۴) (بی‌روزی: بی‌نوا، درویش) (کتم: پنهان کردن، نیستی)

۱- (مرتضی منشاری - اردیبل)

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: تریاق: پادزهر، ضد زهر

گزینه‌ی «۲»: ملاهی: جمع ملهی، آلات لهو، بازیچه‌ها

گزینه‌ی «۴»: کتم: پنهان کردن، پوشاندن

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۲ تا ۱)

۴

۳ ✓

۲

۱

۲- کدام گروه از واژه‌ها، همگی مترادف‌اند؟

(۲) (دمساز و همراز) (شرحه‌شرح و پاره‌پاره) (مستور و پوشش)

(۱) (مکارم و جوان‌مردی‌ها) (فضل و بخشش) (جود و جزا)

(۴) (واصل و رسنده) (عز و ارجمندی) (تعدی و تجاوز)

(۳) (مناهی و بازداشته‌ها) (نای و نوا) (عصبیت و طرفداری)

(مرتضی منشاری - اردیبل)

گروه آموزشی

درس خون

### تشریح گزینه‌های دیگر

در گزینه‌ی «۱»، «جود» به معنای «بخشش، گرم» و «جزا» به معنای «مکافات،

پاداش» است. / در گزینه‌ی «۲»، «مستور» به معنای «پوشیده و پنهان» است. / در

گزینه‌ی «۳»، «نای» به معنی «نی» و «نوا» به معنی «صدا»، با هم مترادف نیستند.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۲ تا ۱)

۴ ✓

۳

۲

۱

۱۱- واژه‌های کدام گزینه به ترتیب در معانی «کلید، دهانه‌ی تیر، خشمگین، گریختن» آمده است؟

(۲) مفتاح، سوفار، ژبان، هزیمت

(۱) مفتاح، پیکان، هژبر، غزا

(۴) فتوح، سوفار، غضنفر، مصاف

(۳) فتوح، زه، ژنده، حرب

(مریم شمیرانی)

مفتاح: کلید / سوفار: دهانه‌ی تیر، جایی از تیر که چله‌ی کمان را در آن بند کنند. /  
ژیان: خشمگین / هزیمت: شکست خوردن، گریختن

(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌های ۱، ۹، ۱۳ و ۲۷)

۴

۳

۲✓

۱

۱- معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(پرده: آهنگ و نغمه‌های مرتب)، (دستور: راهنما)، (پایمردی: جوانمردی)، (خوار: بی‌ارزش)، (ملهی: سرگرمی‌ها)، (محضر: استشهدنامه)،

(خدیدو: خداوند)، (ضلال: همراه گشتن)، (آبن: حوضچه‌ای از چینی یا آهن)، (پویدن: دویدن)

چهار (۴)

سه (۳)

دو (۲)

یک (۱)

۱-

(کافم کاظمی)

پایمردی: خواهشگری، شفاعت، میانجی‌گری / ملهی: آلت لپو و سرگرمی

**نکته:** معنی مفرد برای واژه‌ی جمع و معنی جمع برای واژه‌ی مفرد غلط است و در این زمینه باید دقت شود.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴

۳

۲✓

۱

۱۱- معنی کلمات «نفتیش، کومه، شکوم، غلیان، کتل» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) وایژوهیدن، کپر، شگون، وسیله‌ای برای دودکردن تنباکو، پشته‌ی مرتفع

(۲) بازجست، آلونک، خجستگی، جوش و خروش، تل بلند

(۳) بازرسی، کپر، شگون، وسیله‌ای برای دود کردن تنباکو، تل بلند

(۴) بازجست، کلبه، میمنت، جوشش، کتف

گروه آموزشی  
درس‌خوننا

تفتیش: بازرسی، بازجست، واپژوهیدن / کومه: خانه‌ای از نی و علف که کشاورزان و باغبانان در آن می‌نشینند؛ آلونک، کپَر، کلبه / شکوم: شگون: میمنت، خجستگی، چیزی را به فال نیک گرفتن / غلیان: جوشش، جوش و خروش / کتل: تل بلند، پشت‌هی مرتفع

**نکته:** کلمه‌ی «غلیان: جوشش، جوش و خروش» بر وزن هیجان را با «قلیان: وسیله‌ای برای دود کردن تنباکو» اشتباه نگیرید.

(ادبیات فارسی ۲، فهرست واژگان)

۴

۳

۲✓

۱

۱- معنی واژه‌های «زندیق - زکی - پایمردی - حمیت» به ترتیب در کدام گزینه درست است؟

(۱) ملحد - پاک - شفاعت - غیرت

(۲) دهری - مرد زیرک - خواهشگری - مردانگی

(۳) بی‌دین - پارسا - مروت - مروت

(۴) دشمن - نیکوکار - میانجی‌گری - تعصب

-۱

(سعید کنج‌نیش زمانی)

زندیق: ملحد، دهری، بی‌دین / زکی: پاک، پاکیزه، پارسا، پاک از گناه، نیکوکار (ذکی): مرد زیرک، هوشیار / پایمردی: شفاعت، خواهشگری، میانجی‌گری / حمیت: غیرت، مردانگی، مروت، نخوت، تعصب

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۷ و ۲۶ و فهرست واژگان)

۴

۳

۲

۱✓

۲- در همه‌ی گزینه‌ها به استثنای گزینه‌ی ... معنی همه‌ی واژه‌ها درست است.

(۱) بیغوله: گوشه‌ی خانه، (صولت: هیبت)، (اعصار: دوره‌ها)

(۲) بی‌روزی: درویش، (بیگاه: دیر)، (نفیر: نفرت)

(۳) درای: زنگ کاروان، (یکابک: ناگهان)، (خرّه: فروغ ایزدی)

(۴) خوالیگر: طبّاخ، (دژم: خشمگین)، (آبن: حوض کوچک)

-۲

(لاظم کاظمی)

نفیر: فریاد و زاری به آواز بلند

**توجه:** به معنی واژه‌های بی‌ستاره و مهم متن درس‌ها نیز توجه شود.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴

۳

۲✓

۱

۱۱- معنای واژگان فقط در گزینه‌ی ... صحیح آمده است.

(۱) هیمه: همیزم، (افگار: خسته)، (قهر: چیره‌شدن)

(۲) آذار: اذیت، (تلفظ: نرمی کردن)، (سفاهت: بی‌خردی)

(۳) اناء: درد و رنج، (سنگ مردگان: سنگ قبر)، (تموز: ماه اول تابستان)

(۴) دبکه: پای کوبی و جشن، (جوال: ظرفی از پشم بافته)، (جنتلمن: کلمه‌ای است فرانسوی به معنی «آقا»).

۱۱-

(سعید گنج‌نیش زمانی)

گزینه‌ی «۲»: آذار: ماه اول بهار، از ماه‌های رومی است. / گزینه‌ی «۳»: اناء: ظرف،

کوزه / سنگ مردگان: سنگ شکنجه / گزینه‌ی «۴»: جنتلمن: نجیب‌زاده و جوانمرد

(این کلمه انگلیسی است.)

(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌های ۷۰، ۷۴، ۷۶ و ۷۷)

۴

۳

۲

۱ ✓

۱- معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(خیل: گروه سواران)، (عیوق: ستاره‌ای سرخ‌رنگ که پس از ثریا طلوع و پیش از آن غروب می‌کند)، (صنعت: پیشه)،

(تندیس: تمثال)، (آفاق: آسمان)، (بصر: دیده)، (اکسیر: هر چیز کامل)، (التفات: توجه)، (فروغ: روشنی)

۴ چهار

سه ۳

دو ۲

یک ۱

(کاظم کاظمی)

۱-

معنی درست واژه‌های مورد نظر: آفاق: کران‌ها، کرانه‌های آسمان، ، عالم، گیتی و ... /

اکسیر: هر چیز مفید و کمیاب، جوهری که ماهیت اجسام را تغییر دهد و کامل‌تر سازد.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۳۱ و ۳۳)

۴

۳

۲ ✓

۱

۱۱- معنی چند واژه نادرست است؟

(تنا: ستایش)، (آذار: ماه اول بهار)، (اشباح: سیاهی)، (محظوظ: رودریابستی)، (مطبوع: اطاعت‌شده)، (التهاب:

برافروختگی)، (غزا: جنگ)، (دغل: تباهی)، (خیره‌خیر: سریع)، (ادبار: پشت کردن)، (گنل: تل بلند)، (محیط:

اقیانوس)

دو ۲

یک ۱

چهار ۴

سه ۳

(مسنن اصغری)

۱۱-

۱- اشباح: جمع شبح، کالبدها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که از دور دیده شود. / ۲-

محظوظ: بهره‌ور / ۳- مطبوع: پسندیده، مرغوب، مطلوب طبع / ۴- خیره‌خیر: بهبوده

(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌ی ۷۱ و فهرست واژگان)

۴ ✓

۳

۲

۱

۱- معنی همه‌ی واژه‌ها در کمانک روبه‌رو درست بیان شده است به جز گزینه‌ی ... .

- ۱) کتم (پوشیدگی)، آبن (حوض کوچک)، قصور (عیب)، پایمردی (ایستادگی)
- ۲) مُلهی (آلت‌لهو)، براندیشیدن (ترسیدن)، صواب (درست)، رجم (سنگ‌زدن)
- ۳) تریاق (پادزهر)، ارادت (دوستی خالص داشتن)، اکسیر (هر چیز مفید و کم‌یاب)، درزه (بسته)
- ۴) خرق (شکافتن)، خیل (گروه)، دخمه (گورستان زردشتیان)، اقامه (برپاداشتن)

(داور تالشی)

-۱

پایمردی: خواهشگری، شفاعت، میانجی‌گری

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴

۳

۲

۱ ✓

۲- معنی چند واژه در کمانک روبه‌رو نادرست بیان شده است؟

- (شرح: پاره‌ی گوشتی که از پهنا بریده شده باشد)، (پویدن: تلاش کردن)، (دست‌فروود: کهنه)، (یکایک: به نوبت)، (درای: زنگ کاروان)، (تهجد: شب‌بیداری)، (زندیق: دهری)، (لیر: ابزار موسیقی)، (آرمان: امید)، (محضر: استشهدنامه)

۴) شش

۳) پنج

۲) سه

۱) چهار

(داور تالشی)

-۲

شرح: پاره‌ی گوشتی که از درازا بریده باشند. / پویدن: حرکت کردن، برخیزیدن

(برخاستن) / یکایک: ناگهان

گروه آموزشی

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۱۹ و فهرست واژگان)

۴

۳

۲ ✓

۱

۱۱- در کدام گزینه معنی همه‌ی واژگان درست بیان شده است؟

- ۱) (دژم: خشمگین) (قاب: آسمانه و قوس بنا) (خدی: شعرخوانی عرب)
- ۲) (مناعت: بلندنظر بودن) (بدسگال: بداندیش) (ضالالت: خواری)
- ۳) (خدعه: مکیدت) (مینا: بهشت) (لطیفه: نکته‌ی باریک)
- ۴) (مذموم: نکوهیده) (فتیاض: جوان‌مرد) (میعاد: پیوندادن)

## تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: ضلالت: گمراهی، گمراه شدن

گزینه‌ی «۳»: مینا: آبگینه، شیشه

گزینه‌ی «۴»: میعاد: وعده‌گاه، جای وعده، زمان وعده

(ادبیات فارسی ۲، فهرست واژگان و صفحه‌ی ۱۱۶)

۴

۳

۲

۱ ✓

۱۱- در همه‌ی گزینه‌ها هر دو واژه درست معنی شده است، به جز گزینه‌ی ...

(۱) کومه- بلندا: خانه‌ای از نی و علف- رفیع

(۲) طلیعه- صلازدن: مقدمه- آواز دادن

(۳) داروگ- شولا: قورباغه‌ی درختی- خرّقه‌ی درویشان

(۴) ماسوا- مهمیز: همه‌ی آفریدگان خدا- فلزی که به پاشنه‌ی چکمه‌ی سوار می‌بندند.

(مهم‌رضا زرسنج - شیراز)

- ۱۱

## گروه آموزشی

«بلندا»: «رفعت و بلندی»

## درس فارسی ۲، صفحه‌ی ۱۳۱

۴

۳

۲

۱ ✓

۱- معنی واژه‌های «آبزن، درای، تهجد، چغز» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) دریاچه، آهنگ حرکت، شب زنده‌داری، کلاغ

(۲) حوض کوچک، زنگ کاروان، شب بیداری، قورباغه

(۳) رودخانه، چکش، جهاد کردن، گنجشک

(۴) برکه، پتک، تلاش کردن، نوعی پرند

(ابراهیم رضایی مقدم - لاهیجان)

- ۱

آبزن: حوض کوچک، حوضچه‌ای که از چینی یا آهن و مانند آن برای شست‌وشو

سازند. / درای: زنگ کاروان / تهجد: شب بیداری، شب زنده‌داری / چغز: قورباغه

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴

۳

۲ ✓

۱

۲- معنی کدام دو گروه از واژه‌ها همگی درست است؟

الف) تندیسگر: مجسمه‌ساز / خرامیدن: به ناز رفتن

ب) صواب: پاداش / مشتاق: آرزومند

پ) عنان‌گسسته: متوقف‌شده / زیم: سوی من

ت) اکسیر: هر چیز مفید و کمیاب / جرگه: زمره

الف- ت (۱) الف- پ (۲) ب- پ (۳) ب- ت (۴)

۲-

(ابراهیم رضایی مقدم - لاهیجان)

معنی واژه‌های نادرست: صواب: درست، راست / عنان‌گسسته: مضطرب، سراسیمه، بی‌اختیار / زیم: زندگی کنم - «زی» ← بن مضارع از مصدر «زیستن» که در قدیم پُر کاربرد بوده است.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۳۰، ۳۱ و ۳۴)

۴

۳

۲

۱ ✓

۳- معنی چند واژه نادرست آمده است؟

(غوی: گمراه)، (زخم: ضربه)، (پشت پای: پاشنه‌ی پا)، (سپردن: پای‌مال کردن)، (دخمه: گورستان زردشتیان)، (شکر خند: خنده‌ی

دل‌نواز)، (رجم: سنگ زدن)، (شمار گرفتن: حساب پس دادن)، (پالیز: بوستان)

سه (۱) دو (۲) یک (۳) چهار (۴)

(مسن و سگری - ساری)

۳-

پشت پای: روی پای، سینه‌ی پای

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴

۳ ✓

۲

۱

۱- در کدام گزینه معنای واژه‌های «صبا، ستوه، دستوری، دَغَل، مُعارض» به درستی آمده است؟

(۱) باد خنک و لطیف، درمانده، رخصت، مکر و حيله، رقیب

(۲) بادی که از شمال شرق می‌وزد، ناتوان، رخصت، تباهی، حریف

(۳) پیام‌رسانی، ملول، اجازه گرفتن، ناراستی، بی‌حریف

(۴) پیک عاشقان، درمانده، اجازه دادن، حيله‌گر، بی‌رقیب

۱-

(مرتضی قشمی)

صبا: باد خنک و لطیفی است که از سمت شمال شرق می‌وزد و نماد پیام‌رسانی است. / ستوه: ملول و درمانده / دستوری: رخصت، اجازه دادن / دَغَل: مکر و حيله / مُعارض: رقیب (بلامعارض یعنی بی‌رقیب)

(ادبیات فارسی ۲، فهرست واژگان، صفحه‌ی ۱۴)

۴

۳

۲

۱ ✓

۲- در همه‌ی گزینه‌ها به‌ترتیب، واژگان قسمت اول، معانی واژگان قسمت دوم هستند به‌جز

گزینه‌ی ...

(۱) (بی‌خردی، سقف، جام شراب): (سفاهت، طاق، ساغر)

(۲) (اداره‌ی نگارش، سفره‌ی چرمی، اتاق): (انطباعات، نطع، حجره)

(۳) (هوشیاری، برآشفتن، غیر مادی): (تنبّه، تعلل، مجرد)

(۴) (آغل، هیزم، مکر): (زاغه، هیمه، مکیدت)

۲- (مرتفی منشاری - اردبیل)

«برآشفتن» معنی واژه‌ی «تغییر» است. (تعلل: بهانه کردن، بهانه آوردن، بهانه‌جویی)

(ادبیات فارسی ۲، فهرست واژگان)

۴

۳ ✓

۲

۱

۳- معنی کدام گروه از واژه‌ها تماماً درست است؟

(۱) (صبح: صبح‌ها) (سماجت: بی‌شرمی)

(۲) (ولیمه: هدیه) (بدسگال: بدخواه)

(۳) (پی کردن: کناره‌گیری کردن) (تموز: ماه اول تابستان)

(۴) (خدو: آب دهان) (کَپَر: کلبه)

۳-

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «صبح»: آن‌چه باعث سرخوشی و نیروی معنوی فرد شود.

گزینه‌ی «۲»: «ولیمه»: طعامی که در مهمانی و عروسی دهند.

گزینه‌ی «۳»: «پی کردن»: قطع کردن رباط پای اسب

(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌ی ۵۶ و فهرست واژگان)

۴ ✓

۳

۲

۱

۱- معنی واژه‌های «غریبه، بلاغت، زی، اهل صورت» در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟

(۱) بیگانه، زبان‌آوری، بن ماضی زیستن، عارفان

(۲) نادر، درستی و شیوایی، صاحب، صوفیان

(۳) نو، چیره‌زبانی، دارنده، پیروان ظاهرپرستی

(۴) نادر، بلیغ شدن، لباس خاص هر صنف، متشرعان

۱-

(سعید کنج‌پوش زمان)

غریبه: نادر، نو / بلاغت: چیره‌زبانی، زبان‌آوری، بلیغ شدن (فصاحت: سخن روان که

با استفاده از لغات و ترکیبات خوش‌آهنگ و ... صورت می‌گیرد.) / زی: لباس و

پوشش خاص هر صنف، به‌طرف، به‌سوی، بن مضارع مصدر زیستن / اهل صورت:

متشرعان، کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند و به عمق آن دست نیافته‌اند.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴ ✓

۳

۲

۱

۲- معنی «گرفتن» در بیت زیر با کدام گزینه برابر است؟

«فراوان سخن باشد آکنده گوش / نصیحت نگیرد مگر در خموش»

- (۱) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار  
(۲) عشق رخ یار بر من زار مگیر  
(۳) سخن در احتیاج ما و استغناى معشوق است  
(۴) آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت
- کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست؟  
بر خسته دلان رند ختمار مگیر  
چه سود افسونگری؟ ای دل! که در دلبر نمی گیرد  
عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است

(مهمدرضا زرنج - شیراز)

-۲

در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی «۳»، «گرفتن» یعنی «اثر کردن».

### تشریح گزینه‌های دیگر

«گرفتن» در گزینه‌ی «۱» معنی «فرض کردن»، در گزینه‌ی «۲» معنی «بازخواست و مؤاخذه» و در گزینه‌ی «۴» معنی «مشتعل شدن و شعله کشیدن» دارد.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۶۶)

۴

۳ ✓

۲

۱

۱۱- در کدام گزینه، معنی تمام واژگان درست است؟

(۱) مجمر: آتش‌دان (لابه: تضرع) مغاک: دره)

(۲) ایدر: اکنون (اعراض: عرضه کردن) صفت: برگزیده)

(۳) باسق: بلند (خبط: بی‌راه رفتن) لمس شدن: بی‌حسی و حرکت شدن)

(۴) ممد: یاری‌رساننده (گله‌به‌گله: جابه‌جا) مطاع: فرمانبر)

گروه آموزشی  
زین خونا

(ابراهیم رضایی مقدم - لاهیجان)

-۱۱

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: مغاک: جای فرورفته و گود، گودال

گزینه‌ی «۲»: اعراض: روی برگرداندن

گزینه‌ی «۴»: مطاع: کسی که دیگری فرمان او را می‌برد، اطاعت‌شده

(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان و صفحه‌ی ۴۱)

۴

۳ ✓

۲

۱

۱- معنای چند واژه نادرست آمده است؟

(هول: ترس) (گز: نام درختی که در مناطق سردسیر می‌روید.) (آوند: معلق) (غرفه: بالاخانه)  
(غالیه: از عطریات و مرکب از مواد خوشبو) (نشئه: سرخوشی) (پس افکند: میراث) (ارغند: قهرآلود) (عندلیب: چوک) (اختر  
سعد: مشتری) (قمری: باکریم) (ضماد کردن: ضامن شدن)

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

(سیریمال طباطبایی نژاد)

۱-

«گز»: گیاهی است که در مناطق گرمسیر می‌روید. / «عندلیب»: لبلب «چوک»: مرغی است مانند جغد که خود را از درخت می‌آویزد و فریاد می‌کند، شب‌ویز، مرغ حق / «ضماد کردن»: مرهم نهادن

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، صفحه‌های ۱۰ و فهرست واژگان)



۱  ۲  ۳  ۴   
۲- معنی کدام دو گروه از واژه‌ها همگی نادرست است؟

(الف) (چوک: شب‌ویز) (لؤلؤ تر: مروارید آبدار)

(ب) (ختمار: میخانه) (مصاییح: چراغ)

(ج) (صوَر: سیرت‌ها) (والی: نگهبان)

(د) (غرامت: جبران خسارت) (تزویر: دورویی)

(۱) ب-ج (۲) الف-ب (۳) ب-د (۴) ج-د

(راور تالش)

۲-

ب: (ختمار: می‌فروش) (مصاییح: جمع مصباح) (چراغ‌ها) / ج: صوَر: (جمع صورت)

شکل‌ها، ظواهر / والی: حاکم شهر

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، صفحه‌های ۷۴، ۷۷ و فهرست واژگان)

۱  ۲  ۳  ۴

۱۱- معنی چند واژه در کمانک نادرست است؟

(سجایا: عادت نیک) (تضریب: زدن) (مشحون: مملو) (ضیعت: زمین زراعتی) (حسن تألیف: پیوند

مناسب اجزای سخن) (فرض: مکتوب کردن) (دراعه: عمامه) (شعشعه: روشنایی) (سطوت: وقار).

(رامش: عیش)

(۱) چهار (۲) دو

(۳) پنج (۴) سه

(سیدیمال طباطبایی نژاد)

معنی درست واژگان: سجایا: عادات نیکو (جمع سجویه) / تضریب: دو به هم زنی،  
فتنه‌انگیزی / فرض: واجب گردانیدن، تعیین کردن / دراعه: جامه‌ی بلند که زاهدان و شیوخ  
پوشند، جبّه، بالاپوش

**توجه:** رامش: آرامش، آسودگی، فراغت، ساز و نوا، عیش، طرب، شادی، سرود (فرهنگ معین)  
(ادبیات فارسی ۳، لغت، فهرست واژگان)

۴

۳

۲

۱ ✓

۱- معنی واژگان در کدام گزینه تماماً درست است؟

(۱) (نمادین: سمبلیک) (بط: مرغابی) (بیختن: آویزان کردن)

(۲) (اختر: ستاره) (نشئه: سرمستی) (اورنگ: پادشاهی)

(۳) (سموم: باد گرم و مهلک) (شرزه: خشمگین) (ستر: حجاب)

(۴) (زاخا: فریب‌کار) (چوک: مرغ حق) (حصار: بارو)

-۱

(سیدیمال طباطبایی نژاد)

**تشریح گزینه‌های دیگر**

گزینه‌ی «۱»: بیختن: الک کردن، غربال کردن

گزینه‌ی «۲»: اورنگ (اورند): تخت

گزینه‌ی «۴»: زاخا: بیهوده‌گوی

**توجه:** حصار: دیوار، دیوار دور قلعه یا دژ، بارو، باره، قلعه، دژ، پناهی که شخص را  
از دشمن نگاه دارد. هر جای محصور، محاصره کردن (فرهنگ معین)

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، ترکیبی، صفحه‌های ۶۷، ۷۹ و ۸۳)

۴

۳ ✓

۲

۱

۲- معنی چند واژه در کمانک مقابل آن نادرست ذکر شده است؟

گنج فریدون: نام نوایی منسوب به فریدون (صفر: دلبر) (شیر سپهر: سیاره‌ی مشتری) (دراعه: جبّه) (زی: پوشش خاص هر

صنف) (پس افکند: میراث) (گرزه: خشم‌آلود) (مصاییح: چراغ)

چهار (۴)

سه (۳)

یک (۲)

دو (۱)

(لاظم کاظمی)

-۲

معنی درست واژه‌های نادرست:

گنج فریدون: نام نوایی در موسیقی و گنجی منسوب به فریدون / شیر سپهر:

آفتاب (به اعتبار آن که برج اسد خانه‌ی اوست.) / گرزه: مار بزرگ، افعی، نوعی مار

بد زهر و کشنده / مصاییح: جمع مصباح، چراغ‌ها

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست واژگان و صفحه‌ی ۸۳)

۴ ✓

۳

۲

۱

۱۱- معنی چند واژه غلط است؟

(خلیده: زخم‌شده) (رغم: کراهت) (جمّازه: شتر تیزرو) (طرّه: دسته‌موی پیشانی) (جال: دانه) (گشن: انبوه)  
(خایب: بدخلق) (دها: هوشمندی) (حقّه: قوطی) (مهی: بزرگی) (نوش: شیرینی) (ساج: درختی که از  
سوزاندن چوب آن بوی خوشی پراکنده می‌شود).

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

(ابراهیم رضایی مقدم - لاهیجان)

۱۱-

جال: دام برای پرندگان، تله / خایب: ناامید، بی‌بهره / ساج: درختی که چوب آن  
بسیار مرغوب است.

(ادبیات فارسی ۳، لغت، فهرست واژگان)



۴

۳

۲ ✓

۱

۱- در همه‌ی گزینه‌ها به استثنای گزینه‌ی ... معنی همه‌ی واژه‌ها درست است.

(۱) (سبک‌بار: فارغ‌بال) (ضیعت: دارایی) (ملتزم: همراه)

(۲) (التهاب: برافروختگی) (پای‌افزار: کفش) (شوخن: چرک‌آلود)

(۳) (ذکر: ورد) (عقار: آب و زمین) (جدار: شکاف)

(۴) (کتاب: نویسندگان) (متفرّع: تابع) (دستوری: رخصت)

(مرتضی منشاری - اردبیل)

۱-

«جدار» نادرست معنی شده و معنی درست آن «دیوار» است.

(ادبیات فارسی ۲، لغت، صفحه‌ی ۱۲۴)

۴

۳ ✓

۲

۱

۱۱- توضیح روبه‌روی کدام واژه‌ها، درست است؟

(الف) حُدی: آواز خواندن عرب برای شتر

(ب) طُی: جشن عروسی

(ج) ایار: از ماه‌های رومی برابر ماه دوم بهار

(د) دل شکر: شادی بخش دل و جان

(۴) د-ج

(۳) ب-د

(۲) الف-ج

(۱) الف-ب

واژه‌های «خدی» و «طی» درست معنی شده‌اند. / «یار» از ماه‌های رومی که برابر ماه سوم بهار است. / «دل شکر» به معنای شکارکننده‌ی دل است. (شکریدن: شکار کردن)

(ادبیات فارسی ۲، لغت، صفحه‌های ۷۴، ۹۶، ۱۱۶ و ۱۱۴۲)

۴

۳

۲

۱ ✓

۱- معنی چند واژه نادرست است؟

(تراویدن: چکیدن) / (رخوت: غرور) / (نهضت: جنبش) / (سورت: شدت اثر) / (مَنتشا: عصای گره‌دار قلندران) / (عیار: سنگ سخت) / (بدیع: تازه) / (ناورد: جنگجو) / (هریوه: اهل هرات) / (تزویر: فریب دادن) (عماد: تکیه‌گاه)

(۱) پنج (۲) چهار (۳) سه (۴) دو

- ۱

(رضا جان نثار گفته شهری - سلماس)

معنی صحیح لغات نادرست عبارت‌اند از:

رخوت: سستی و تنبلی / عیار: سنگ محک، ابزار سنجش، آزمون / ناورد: مبارزه،

نبرد، پیکار

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، ترکیبی)

۴

۳ ✓

۲

۱

۱- معنی درست واژه‌های «واصف، علیل، تکفل، تیمار، التفات» به ترتیب کدام است؟

گروه آموزشی  
درس خون

(۱) ستاینده، رنجور، پذیرفتن، تعهد، توجه

(۲) برگزیده، درمانده، قبول سختی، خدمت، نگرش

(۳) وصف‌کننده، ناتوان، سختی کشیدن، محافظت بیمار، لطف

(۴) باصفا، بیمار، متعهد شدن، غم‌خواری، روی آوردن

- ۱۱

(سراسری ریاضی - ۹۲)

واصف: وصف‌کننده، ستاینده / علیل: بیمار، رنجور / تکفل: متعهد شدن، پذیرفتاری،

پذیرفتن / تیمار: تعهد، خدمت و محافظت کسی که بیمار است. / التفات: توجه

(ادبیات فارسی ۳، لغت، ترکیبی)

۴

۳

۲

۱ ✓

۱- در کدام گزینه معنی هر سه واژه درست آمده است؟

(۱) (تعلیمی: نوعی عصای سبیر و گره‌دار)، (بر و بر: بادقت)، (مقهور: مغلوب)

(۲) (دشت: دست‌لاف)، (جلی: روشن)، (عتاب: ملامت)

(۳) (بورشدن: شرمنده شدن)، (قلاکردن: تلاش و تقللاً کردن)، (سو: دید)

(۴) (اشباح: سیاهی‌ای که از دور به نظر رسد)، (معمّر: سال‌خورده)، (شامورتی: حقه‌ی مخصوص حقه‌بازان)

(ناظم کاظمی)

-۱

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: تعلیمی: عصای سبکی که به دست گیرند.

گزینه‌ی «۳»: قلاکردن: کلک‌زدن، کمین کردن برای شیطنت

گزینه‌ی «۴»: اشباح: سیاهی‌هایی که از دور به نظر رسد.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، ترکیبی)

۴

۳

۲ ✓

۱

۱- معنی واژه‌های هم‌معنی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ... به‌ترتیب درست آمده است.

(۱) مراوده- ایما- مضیق: دوستی- رمز- کار سخت

(۲) قیه- نمط- رباط: نوعی غذا- طریقه- کاروان‌سرا

(۳) طوع- تلبیس- سفت: فرمان بردن- نیرنگ- دوش

(۴) قاش- دیر- فُشار: کوهی زین- صومعه- سخن بی‌هوده

(ناظم کاظمی)

-۱۱

گروه آموزشی

درس خونا

(ادبیات فارسی ۳، لغت، فهرست واژگان)

قیه: جیغ

۴

۳

۲ ✓

۱

۱- در همه‌ی گزینه‌ها به‌استثنای گزینه‌ی ... معنی همه‌ی واژه‌ها درست است.

(۱) هتّاک: پرده‌داری (ارغند: قهرآلود) (پس‌افکند: میراث)

(۲) محتسب: ناظر اجرای احکام دین (چوک: شباویز) (قُمری: یاکریم)

(۳) بی‌قیاس: فراوان (سنان: تیر) (دُرّاعه: جامه‌ی دراز که مرد و زن از رو پوشند)

(۴) ثمین: گران‌بها (قوالک: بازیگر نمایش‌های روح‌وضی) (قتیل: مقتول)

۱- (رضا جان نثار کونه شهری - سلماس)

معنی تمام گزینه‌ها صحیح است ولی در گزینه ی «۳»، «سنان» به معنی «سرنیزه» است.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، ترکیبی)

۴

۳✓

۲

۱

۱۱- مترادف واژه‌های «لباس خاص، خشمگین، شیوایی، درویش و تخت» به ترتیب در کدام گزینه، درست آمده است؟

- (۱) زی، گرز، فصاحت، صدف، اورنگ  
(۲) زی، شرزه، فصاحت، بی‌روزی، اورند  
(۳) جبه، گرز، بلاغت، اهل صورت، آوند  
(۴) پرده، شرزه، بلاغت، بی‌روزی، اورند

(سراسری انسانی - ۹۴)

۱۱-

زی: لباس و پوشش خاص هر صنف / شرزه: خشمگین / فصاحت: درستی و شیوایی؛ سخن روان که با استفاده از لغات و ترکیبات خوش‌آهنگ و رایج و ترکیب‌بندی درست عبارات و جملات مطابق قواعد زبان صورت می‌گیرد. / بی‌روزی: بی‌نوا و درویش / اورند: اورنگ، تخت، مجازاً فرّ و شکوه، شأن و شوکت  
(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست واژگان)

۴

۳

۲✓

۱

۱۲- معنی صحیح همه واژه‌های «اهل صورت، هم‌نشینی، اعتکاف، قلاکردن» کدام است؟

- (۱) متشرعان، صحبت، مجاور بودن، کلک زدن  
(۲) متعصبان، دوستی، گوشه‌گیری، واژگون کردن  
(۳) متجددان، معاشران، گوشه‌نشینی، نیرنگ زدن  
(۴) متظاهران، همدلی، مجاورت، سرکوب کردن

(سراسری تهری - ۹۲)

۱۲-

معانی صحیح واژه‌های ارائه شده در گزینه ی «۱» آمده است:

اهل صورت: متشرعان، کسانی که در ظاهر شریعت مانده‌اند و به عمق آن دست نیافته‌اند. / هم‌نشینی: صحبت، مصاحبت / اعتکاف: مجاور بودن و گوشه‌نشینی  
اختیار کردن / قلاکردن: کلک‌زدن، کمین کردن برای شیطنت

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست واژگان)

۴

۳

۲

۱✓

۱- در کدام گزینه به ترتیب، واژه‌های اول و دوم درست و واژه‌ی سوم نادرست معنی شده است؟

الف) صلوات: درود

ب) والی: حاکم

ج) نطع: فضای جلوی خانه

د) مهمیز: پاشنه‌ی چکمه

هـ) چینه: دیوار گلی

۱) الف، ب، ج ۲) هـ، ب، الف ۳) ب، ج، د ۴) د، هـ، الف

(مرتضی منشاری - اریزل)

۱-

چینه: دیوار گلی / والی: حاکم (این دو واژه درست معنی شده‌اند).

«الف»: صلوات: درودها / «ج»: نطع: سفره‌ی چرمین / «د»: مهمیز: آلتی فلزی بر

پاشنه‌ی چکمه برای به حرکت درآوردن اسب

(ادبیات فارسی ۲، لغت، صنفه‌های ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۵۱ و فهرست واژگان)

۴

۳

۲ ✓

۱

۲- معنی واژگان کدام گزینه همگی درست است؟

۱) فتوت: مردانگی (حسن تألیف: پیوند مناسب اجزای سخن با هم) (متصد: شکار کردن)

۲) کردند: اسبی که رنگ او میان زرد و بور باشد. (گیر: خفتان) (مکاشفت: آشکار ساختن)

۳) گسیل کردن: فرستادن (مطاوعه: اطاعت‌کننده) (مخنقه: عقد)

۴) سفت: جان (شاهد: معشوق) (رواق: سایبان)

(سیدجمال طباطبایی نژاد)

گروه آموزشی

۲-

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: متصد: شکارگاه / گزینه‌ی «۳»: مطاوعه: اطاعت، فرمان‌برداری /

گزینه‌ی «۴»: سفت: دوش، کتف

(ادبیات فارسی ۳، لغت، فهرست واژگان)

۴

۳

۲ ✓

۱

۳- معنای واژه‌های «آماج، زندیق، دستور، پای‌مردی، التفات» در کدام گزینه درست آمده است؟

۱) تیر، ملحد، اجازه، میانجی‌گری، دوری ۲) هدف، دهری، راهنما، شفاعت، توجه

۳) تیر، بی‌دین، راهنما، بخشش، لطف ۴) هدف، بی‌دین، وزیر، استواری، پاداش

(مسن اصفه‌ری)

۳-

آماج: هدف / زندیق: ملحد، دهری، بی‌دین / دستور: اجازه، راهنما، وزیر / پای‌مردی:

خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت / التفات: لطف، توجه

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست واژگان)

۴

۳

۲ ✓

۱

۱- معانی کدام گروه از واژه‌ها، تماماً درست است؟

(۱) پای افزار: شلوار (شقاوت: بدبختی)

(۲) هم‌عنان: هم‌سنگ (جر کردن: درافتادن)

(۳) ساغر: شراب (سبک‌بار: آسوده خاطر)

(۴) مال: حیوان (سجایا: عادت نیک)

-۱

(مترقی منشاری - اردبیل)

### تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: پای افزار: کفش

گزینه‌ی «۳»: ساغر: پیاله‌ی شراب

گزینه‌ی «۴»: سجایا: عادات نیک

(ادبیات فارسی ۲، لغت، ترکیبی)

۴

۳

۲✓

۱

۲- معنی کدام واژه‌ها نادرست آمده است؟

(الف) جان کل با جان جزء آسیب کرد

(ب) روزی طلب کنید، که هر مرغ خرد را

(ج) دولت همه ز اتفاق خیزد

(د) تو غافل و سپهر کشنده رقیب تو

(۱) ب، ج (۲) د، ب

جان ازو درّی ستند در جیب کرد (آسیب: تماس)

اول وظیفه، رسم و ره دانه چیدن است (وظیفه: رزق و روزی)

بی‌دولتی از نفاق خیزد (اتفاق: حادثه)

فرزانه خفته و سگ دیوانه پاسبان (رقیب: نگهبان)

(۳) الف، ج (۴) الف، د

(مسن، وسکری - ساری)

«وظیفه» در بیت «ب» به معنی «مسئولیت» است و «اتفاق» در بیت «ج» به

معنی «اتحاد» است.

-۲

گروه آموزشی

(ادبیات فارسی ۳، لغت، ترکیبی)

۴

۳

۲

۱✓

۳- معنی چند واژه در کمانک مقابل آن نادرست است؟

بام: (صبحگاه) / فلاگردن: (کمین کردن برای شیطنت) / نحل: (مورچه) / بارقه: (میراث) / فسرده: (منجمد) / زغن:

(موش‌گیر) / چغز: (شباویز) / آوند: (معلق) / سورت: (تندی) / داشتن: (نواختن) / نشئت: (حالت مستی) / حضيض: (نشیب)

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

(سعید کنج‌بفش زمانی)

-۳

نحل: زنبور عسل / بارقه: پرتو، جلوه / چغز: قورباغه

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست واژگان)

۴

۳

۲✓

۱

۱- معنی چند واژه نادرست است؟

(سفاهت: سخن چینی) (چینه: دیوار گلی) (هم‌عنان: زمامدار) (شیهه: بانگ اسب) (بقل: سبزی) (گبر: خرقه‌ی

درویشان) (مصف: محل‌های صدف‌بستن) (در زمان: فوراً) (عنود: ستیزه‌کار) (مذموم: خوار)

(۱) پنج (۲) چهار (۳) سه (۴) شش

-۱

(مریم شمیرانی)

معنی درست واژگانی که غلط معنی شده‌اند:

سفاهت: بی‌خردی، کم‌عقلی / هم‌عنان: هم‌سنگ، همراه / گبر: نوعی جامه‌ی جنگی،

خفتان / مصف: محل صف بستن / مذموم: نکوهیده، زشت، مذمت شده

(ادبیات فارسی ۲، لغت، ترکیبی)

۲- کدام گروه از واژه‌ها، همگی مترادف‌اند؟

(۱) مخنقه و عقد (ترکش و تیر) (سهی و راست)

(۲) بذل و بخشش (مطاع و فرمانبردار) (ساریان و شتریان)

(۳) جادو و جادوگر (حضر و ماندن) (نمستک و چنگ‌زدن)

(۴) غمزه و کرشمه (قدوم و گام‌ها) (غمّاز و سخن‌چین)

-۲

(مرتضی منشاری - اردبیل)

**تشریح گزینه‌های دیگر**

گزینه‌ی «۱»: ترکش و تیردان / گزینه‌ی «۲»: مطاع و فرمانروا / گزینه‌ی «۴»:

قدوم و آمدن یا قدم نهادن

(ادبیات فارسی ۳، لغت، ترکیبی)



۳- معنی واژگان در کدام گزینه همگی درست آمده است؟

(۱) دهش: انصاف / معتر: سالخورده / لنگ و لوک: ضعیف / زغ: صاحب

(۲) غرایب: تازه‌ها / دهشت: ترس / جرگه: گروه / سخره: فرومایه

(۳) غوی: همراه / بپوید: برخیزید / بیگاه: مهر / آزهک: خشمگین

(۴) ارغند: دلیر / بهل: رها کن / دشت: پیش‌مزد / نزهت: تفرّج

گروه آموزشی  
درس خوانها

## تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: لنگ و لوک: آن که پا و دستش معیوب باشد؛ مجازاً ضعیف و ناتوان است / زی: ۱- لباس و پوشش خاص هر صنف ۲- بن مضارع زیستن ۳- به طرف، به سوی (ذی: صاحب و دارنده)

گزینه‌ی «۲»: سُخره: تمسخر، ریشخند (سفله: پست و فرومایه)

گزینه‌ی «۳»: آژنگ: چین و شکنی که به واسطه‌ی خشم بر چهره و ابرو و پیشانی افتد.

## (زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، لغت، فهرست واژگان)

۱- معنی چند واژه در مقابل آن غلط آمده است؟

(عبرکن: نگاه کن) (قاپوچی: دربان) (معهود: شادمان) (رفع کردن: شکایت کردن) (شهناز: گوشه‌ای از شور)  
(رضوان: دربان بهشت) (قهر: خشم)  
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۱- پاسخ گزینه ۱

معانی واژه های معهود، رضوان به غلط در صورت سوال مطرح شده..  
معهود: عهد شده، تعیین شده رضوان: نام بهشت توجه شود که رضوان در معنی دربان بهشت غلط است.

۲- در کدام گزینه معنی واژه‌ها، تماماً درست است؟

(۱) رواق: سایبان) (رز: سم مهلك) (زعارت: تند مزاج)  
(۲) مدعی: خواهان) (متقارب: همگرا) (حریف: همورد)  
(۳) وقیعت: بدگویی) (معارضه: عرضه کردن) (نیهفت: پناهگاه)  
(۴) مطاوعه: اطاعت شده) (نوش: شهد و شیرینی) (واصف: ستاینده)

۲- پاسخ گزینه ۲

در گزینه ۱ معنی زعارت تند مزاجی است نه تندمزاج  
گزینه ۲ معنی معارضه ، عرض کردن است نه عرضه کردن  
گزینه ۴ معنی مطاوعه به عنوان اطاعت شده نادرست است.

۳- معنی واژه‌های «سموم - مصایح - مهین - دهشت» به ترتیب کدام است؟

(۱) سم‌ها - آسمان‌ها - بزرگ - اضطراب  
(۲) باد سرد و کُشنده - ستارگان - بزرگ‌ترین - ترس  
(۳) آفت‌ها - کلیدها - بهترین - حیرت  
(۴) باد گرم و کُشنده - چراغ‌ها - بزرگ - تعجب

۳- با توجه به نادرستی سایر گزینه‌ها گزینه ۴ صحیح است.

\* در این سوال دانستن تنها معنی سموم به عنوان باد گرم و کُشنده رهنمون ما به پاسخ صحیح است.